

أَخْبَارُ الطَّوَالِ

تأليف

ابوحنيفة احمد بن داود دینوری

درگذشته ۲۸۳ قمری

ترجمه

دکتر محمود مهدوی دامغانی



نشرنی

دینوری، احمد بن داود، - ۲۸۲ ق.

اخبار الطوال / تألیف ابوحنیفه احمد بن داود دینوری؛ ترجمه محمود
مهدوی دامغانی. - تهران: نشر نی، ۱۳۶۴.
۲۸۲ ص.

ISBN 964-312-000-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
چاپ ششم: ۱۳۸۴

۱. اسلام - تاریخ - متون قدیمی تا قرن ۱۴. ۲. ایران - تاریخ - پیش از
اسلام - متون قدیمی تا قرن ۱۴. الف. مهدوی دامغانی، محمود؛
۱۳۱۵ - ، مترجم: ب. عنوان.

DS ۳۵ / ۶۳ / د ۹ الف ۳۰۴۱
۹۰۹/۰۹۷۶۷۱
۱۳۶۴

۱۸/۷۱ - ۶۷ م

کتابخانه منی ایران



نشرنی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸، کد پستی ۱۴۱۳۷

تلفن: ۵۹ و ۸۸۰۰۴۶۵۸، صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵

www.nashreny.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲

تلفن: ۶۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۶۴۹۸۲۹۴

کتابفروشی: خیابان کریم خان، نیش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹

تلفن ۸۸۹۰۱۵۶۱

ابوحنیفه احمد بن داود دینوری

اخبار الطوال

ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی

• چاپ ششم ۱۳۸۴ تهران • تعداد ۱۱۰۰ نسخه • لیستوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-000-7

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۰۰۰-۷

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مندرجات

۱۲	مقدمه مترجم
۲۵	فرزندان آدم
۲۵	ادریس و نوح
۲۶	اختلاف زبانها
۲۷	سامی ها
۲۸	ضحاک
۲۹	بعثت هود
۳۰	نمرود پسر کنعان
۳۱	قحطان
۳۲	ابراهیم (ع)
۳۳	هجرت جرهم و معتمر
۳۳	نمرود و پسران او
۳۴	پسران اسماعیل (ع)
۳۴	پیروزی جرهمیان بر حرم
۳۴	فرزندان قحطان
۳۴	پایان پادشاهی منوچهر
۳۵	زاب پسر بودکان
۳۶	کیقباد پسر زاب
۳۶	ابرهه
۳۷	کیکاوس پسر کیقباد
۳۸	کی خسرو
۳۸	افریقیس و یمن
۳۹	پادشاهی پسر افریقیس و هلاک طسم و جدیس
۴۱	پادشاهی فندذوالاذعار
۴۱	هجرت قبیله ربیعہ به یمامه و بحرین
۴۲	پادشاهی داود (ع)
۴۴	پادشاهی بلقیس

٤٥	پادشاهی سلیمان
٤٧	ارخیم پسر سلیمان
٤٧	بخش بخش شدن امپراطوری سلیمان
٤٨	ویرانی شهر ایلیاء
٤٨	پادشاهی ایرانیان و یمنی ها
٤٩	زرتشت و دعوتش
٥١	پادشاه یمن
٥١	پادشاه ایران و رهایی بنی اسرائیل
٥٢	خُمانی همسر یمن
٥٢	دارا پسر یمن
٥٢	پادشاهی تبع پسر ابومالک
٥٣	دارا و روم
٥٣	پادشاهی داریوش
٥٤	ظهور اسکندر
٥٤	غلبه و پیروزی اسکندر
٥٧	داریوش و اسکندر
٥٨	فتوح اسکندر
٥٩	اسکندر در مکه
٥٩	اسکندر در سرزمینهای مغرب
٦١	اسکندر و سرزمین های خاور دور
٦٢	یاجوج و ماجوج
٦٤	ملوک الطوائف
٦٤	پایان کار اسکندر
٦٥	پادشاهان یمن
٦٦	پادشاهی اردوان پسر اشه
٦٦	اسعد بن عمرو
٦٧	بعثت عیسی
٦٨	اردشیر پسر بابک
٧١	جرجیس و پادشاه موصل
٧٢	ملکیکرب پادشاه یمن

۷۲	پادشاهی تُتُع ها
۷۳	شاپور - مانی - هرمز
۷۴	فرزندان هرمز
۷۴	شاپور ذوالاكتاف
۷۶	رومیان و شاپور ذوالاكتاف
۷۸	بهرام پسر شاپور
۷۸	یزدگرد پسر شاپور
۷۹	کشته شدن عمرو بن تبّع
۷۹	صهیان و عدنانی ها در تهمامه
۸۱	پادشاهی ربیعة بن نصر لخمی بر یمن
۸۲	حرکت عمرو لخمی به حیره
۸۲	جذیمه و حیره
۸۳	عمرو بن عدی
۸۴	پادشاهی بهرام گور
۸۶	یزدگرد پسر بهرام
۸۶	ستیزه میان دو برادر
۸۷	فیروز پسر یزدگرد
۸۹	پسران فیروز
۸۹	ذونواس و یمن
۹۰	حبشی ها و یمن
۹۱	حبشی ها و ویران کردن کعبه
۹۱	سیف بن ذی یزن
۹۳	ایرانیان و یمن
۹۴	آیین مزدکی
۹۶	خسرو انوشیروان
۹۷	ایران و روم به روزگار انوشروان
۹۹	خراج در روزگار انوشروان
۱۰۲	تاریخ ایرانیان و تاریخ پیامبر (ص)
۱۰۳	پادشاهی هرمزد
۱۱۳	پادشاهی خسرو پرویز

۱۳۶ جنگ خسرو پرویز با رومیان
۱۳۷ پادشاهی شیرویه پسر خسرو پرویز
۱۳۸ پیام میان پدر و پسر
۱۴۱ پس از مرگ شیرویه
۱۴۲ جنگهای اعراب و ایرانیان
۱۴۴ فتوحات اسلامی در روزگار عمر بن خطاب
۱۵۱ جنگ قادسیه
۱۶۱ جنگ جلولاء
۱۶۴ جنگ شهر توشتر
۱۶۸ جنگ نهاوند
۱۷۴ حکومت عثمان بن عفان
۱۷۵ فتوحات روزگار عثمان
۱۷۶ بیعت با علی بن ابی طالب (ع)
۱۸۰ جنگ جمل
۱۹۲ جنگ صفین
۲۲۰ کشته شدن عبیدالله پسر عمر بن خطاب
۲۲۱ کشته شدن ذوالکلاع
۲۲۵ کشته شدن هاشم بن عتبۀ بن ابی وقاص مرقال
۲۲۸ کشته شدن حوشب ذوظلم
۲۳۷ پیمان نامه حکمیت
۲۴۰ اختلاف پس از تعیین داوران
۲۴۳ گفتگوهای حکمین
۲۴۵ اعلان رأی
۲۴۶ بیعت شامی ها با معاویه
۲۴۶ فتنۀ خوارج
۲۵۱ جنگ خوارج
۲۵۷ سرانجام کار علی بن ابی طالب (ع)
۲۵۹ شهادت علی بن ابی طالب (ع)
۲۶۲ قصاص و کیفر قاتل
۲۶۲ کوشش برای کشتن معاویه

۲۶۲	کوشش برای کشتن عمروعاص
۲۶۳	بیعت با حسن بن علی (ع)
۲۶۳	هجوم سپاهیان معاویه
۲۶۵	بیعت با معاویه به خلافت
۲۶۶	زیاد بن ابیه
۲۶۸	رحلت حسن بن علی (ع)
۲۷۰	معاویه و عمروعاص
۲۷۳	مرگ معاویه
۲۷۵	بیعت با یزید
۲۷۷	مردم کوفه و حسین (ع)
۲۷۹	مسلم در کوفه
۲۸۸	شهادت مسلم بن عقیل
۲۹۰	بیرون آمدن امام حسین (ع) به سوی کوفه
۲۹۸	سرانجام امام حسین (ع)
۳۰۸	عبدالله بن زبیر
۳۱۴	خوارج
۳۱۶	جنگ مهلب با خوارج
۳۲۲	مهلب و حجاج
۳۲۵	کشته شدن قطری پسر فجاءة
۳۲۶	عراق پس از مرگ یزید
۳۳۰	حکومت عبدالملک بن مروان
۳۳۱	کشتن عمرو بن سعید بن عاص
۳۳۳	دعوت برای خلافت خاندان علی علیه السلام
۳۵۰	کشته شدن مختار
۳۵۲	سلطنت عبدالله بن زبیر
۳۵۴	تسلیم عراق به سپاه شام
۳۵۷	کشته شدن عبدالله بن زبیر
۳۶۰	ضرب سکه عربی
۳۶۰	فتنه ابن اشعث
۳۶۶	پایان کار عبدالملک بن مروان

۳۶۸	حکومت ولید بن عبدالملک
۳۶۸	اصلاح و عمارت مسجد پیامبر
۳۶۸	فتح بخارا و سمرقند
۳۷۱	مرگ حجاج
۳۷۱	سلیمان بن عبدالملک
۳۷۳	عمر بن عبدالعزیز
۳۷۴	یزید بن عبدالملک
۳۷۵	آغاز و ظهور دعوت برای بنی عباس
۳۷۷	هشام بن عبدالملک
۳۷۹	ابومسلم خراسانی
۳۸۱	مرگ امام
۳۸۶	اتفاقی میان خالد و هشام
۳۸۹	ولید بن یزید
۳۹۱	یزید بن ولید
۳۹۲	ابراهیم بن ولید
۳۹۳	مروان بن محمد
۴۰۲	آشکار شدن دعوت ابومسلم
۴۰۸	پایان حکومت بنی امیه
۴۱۱	بیعت با ابوالعباس سفاح
۴۱۹	ابوجعفر منصور
۴۲۱	کشتن منصور ابومسلم خراسانی را
۴۲۴	ساختن شهر بغداد
۴۲۶	مرگ ابوجعفر منصور
۴۲۶	حکومت محمد مهدی
۴۲۷	حکومت موسی هادی
۴۲۷	خلافت هارون الرشید
۴۳۳	حکومت محمد امین
۴۴۲	خلافت عبدالله مأمون
۴۴۳	حکومت محمد معتصم
۴۴۹	فهرست اعلام

اهداء

بانوی گرامی و متدین «ممصومه حدیدی عرب»
(گلین خانم) پس از پنجاه سال تعلیم قرآن مجید و صد کلمه
حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به گروه بسیاری از کودکان
محلله باغ رضوان مشهد در ۲۲/۵/۱۳۶۲ به جوار رحمت حق
پیوست.

آن بزرگوار به این بنده و برادران و خواهران و همسر و سه
فرزندم و بیش از چهل کودک خاندانم با اخلاص قرآن
آموخت و همه رهین او یم خدایش رحمت کند و با صدیقه
طاهره (ع) محشورش فرماید.

گرچه سرگش چراغ فروزان محلله ما را خاموش کرد
آرزومندم تا وصول به رضوان الهی نور قرآن فرا روی او تابنده
باشد.

هنوز دو گوشم بر آوای اوست که هرگاه این دو بیتی را
می خوانند:

«مردمان غافلند از عشقی

همه گویی به خفتگان مانند»

«ضرر غفلسی که می ورزند

چون بمیسزند آنگهی دانند»

گهر اشک بر گلزار چهره اش فرومی ریخت.

یادش گرامی باد، خاطره خارخار چویش که بهتر از مهر
بدر بود هنوز سخت دلپذیر است تا چه رسد به صدای گرم و
مهرانگیزش.

با کمال تواضع این ترجمه را به روان پاکش تقدیم
می دارم و خدا کند راه و روش او را که متروک مانده است
بتوان ادامه داد.

مترجم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم:

ابوحنیفه احمد بن داود بن وَثَّاد دینوری:

نام این دانشمند و نام پدر و کنیه اش در کتابهای کهن و تازه به همین صورت آمده است، برای نمونه ندیم در الفهرست همچنین ضبط کرده است^۱.
و چون از ناحیه دینور بوده نسبت او دینوری است.

یا قوت حموی نام پدر بزرگش را و نند ثبت کرده است^۲ و در کتابهای تازه چون الاعلام زرکلی^۳ و تاریخ ادبیات استاد دکتر ذبیح الله صفا^۴ نیز همینگونه آمده است.

سال تولدش در کتابهای قدیمی ثبت نشده است، بروکلمان در مقاله دائرة المعارف اسلام تولد ابوحنیفه را در دهه اول قرن سوم هجری مرجع دانسته است.^۵

یا قوت مرگ او را در شب دوشنبه چهار شب باقی مانده از جمادی الاولی ۲۸۲ هجری و به روایتی دیگر ۲۸۱ و به قولی دیگر پیش از ۲۹۰ نوشته است، و بهمین سه صورت در کتابهای دیگر هم آمده است مثلاً مرحوم حاج شیخ عباس قمی در آثار خود می نویسد ابوحنیفه پیش از دو یست و نود در گذشته است.^۶

۱- محمد بن اسحاق ندیم ص ۸۶ چاپ مرحوم رضا تجدد، تهران ۱۳۵۰ خورشیدی.

۲- یا قوت، معجم الادباء، ج ۱ ص ۱۲۴ چاپ مارگلیوت: مصر ۱۹۳۱ میلادی.

۳- زرکلی، الاعلام، ج ۱ ص ۱۱۹.

۴- دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۱۸۵ چاپ دوم ۱۳۳۵ خورشیدی.

۵- دائرة المعارف اسلام، ترجمه عربی، ج ۹ ص ۳۷۵.

۶- حاج شیخ عباس قمی، الکنی واللقاب، ج این، ابو ص ۵۳ چاپ صیدا.

دینور: این کلمه به کسر دال و سکون یا و نون و فتح واو و سکون راء صحیح است، ابن خلکان می گوید سمعانی در انساب آنرا به فتح دال ضبط کرده ولی صحیح نیست.^۷

این شهر میان کنگاور و کرمانشاه قرار داشته و وسعت آن دوسوم همدان و مدتها به ماه کوفه مشهور بوده است، ساکنان آن آمیزه‌یی از ایرانیان و اعراب بوده و قبیله کرد شوهجان اطراف آن می زیسته‌اند.

دیور از قرن چهارم هجری رومیه و ایرانی نهاد و در قرن هشتم هجری پس از هجوم تیمور بکلی ویران شد.

دومرگان و شترآوس از ویرانه‌های آن بازدید کرده‌اند و برای اطلاع بیشتر باید به مقاله شترک در دائرة المعارف اسلام مراجعه کرد.^۸

به گفته یاقوت حموی گروهی بسیار از اهل ادب و حدیث باین شهر منسوبند، فرید و جدی غیر از ابوحنیفه و ابن قتیبه پنج دانشمند دیگر را که به دینوری معروف بوده‌اند نام برده است:^۹

مقام علمی و ادبی ابوحنیفه دینوری:

او در انواع علوم و فنون متداول عصر خود صاحب نظر بوده و کتاب نوشته است. ندیم، در الفهرست می گوید، در نحو، لغت، هندسه، حساب، نجوم اهل نظر بوده و پانزده جلد از کتابهای او را به شرح زیر نام می برد:

- ۱- کتاب النبات. ۲- کتاب الفصاحه. ۳- کتاب الانواء. ۴-
- کتاب القبلة والزوال. ۵- کتاب حساب الدور. ۶- کتاب الرد علی لفظة الاصفهانی^{۱۰}. ۷- کتاب البحث فی حساب الهند. ۸- کتاب البلدان. ۹-
- کتاب الجمع والتفریق. ۱۰- کتاب الجبر والمقابله. ۱۱- کتاب اخبار الطوال. ۱۲-
- کتاب الوصایا. ۱۳- کتاب نوادر الجبر. ۱۴- کتاب الشعر والشعراء. ۱۵-
- کتاب مایلحن فیہ العامة:

۷- ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۲ ص ۲۱۷، چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید، مصر.

۸- دائرة المعارف اسلام، ترجمه عربی ج ۹ ص ۳۷۴.

۹- فرید و جدی - دائرة المعارف القرن الرابع عشره ج ۴ ص ۱۱۵ چاپ چهارم.

۱۰- لغت لفظة به معنی رصد است.

تذکره نویسان و دانشمندان دوره‌های بعد کتابهای دیگری هم برای او نوشته‌اند، یاقوت در معجم الادباء (ارشاد الاریب) با آنکه سخن خود را از قول ندیم نقل می‌کند علاوه بر کتابهای بالا کتابهای زیر را هم آورده است.^{۱۱}

۱۶- کتاب الباه. ۱۷- کتاب الکسوف. ۱۸- کتاب اصلاح المنطق.

سپس از قول ابوحیان توحیدی کتابی هم در تفسیر قرآن باو نسبت می‌دهد و باین ترتیب نوزده کتاب برای او شمرده است.

صفدی،^{۱۲} دانشمند قرن هشتم و فلوگیل^{۱۳} خاورشناس قرن نوزدهم کتاب دیگری بنام البیان و رساله مختصری در طب را نیز از او دانسته‌اند.

با ملاحظه این کتابها معلوم می‌شود نسخه‌یی از الفهرست ندیم که در اختیار یاقوت حموی بوده با نسخه چاپ شده کنونی تفاوتی داشته است، و اهمیت و ارزش کار ابوحنیفه در رشته ریاضی و نجوم آشکار می‌شود.

اینک توضیح مختصری درباره کتابهای او داده می‌شود و در مورد اخبار الطوال جداگانه سخن خواهیم گفت.^{۱۴}

۱- کتاب النبات: این کتاب درباره شناخت نام گیاهانی، که در شعر و ادب عرب آمده کم نظیر است و گرچه متأسفانه نسخه اصلی آن تا کنون بدست نیامده است ولی بخش‌هایی از آن در کتابهای مخصص ابن سیده^{۱۵} و آثار ابن بیطار^{۱۶} نقل شده است و آنرا دائرة المعارف گیاه‌شناسی می‌دانسته‌اند.

۲- کتاب الفصاحة: که ظاهراً شامل مباحثی در علوم بلاغت بوده است.

۳- کتاب الانواء: این کتاب که درباره نجوم و شناخت منازل ماه و عجایب آسمان است بسیار مورد توجه بوده و دانشمندان نجوم آنرا ستوده‌اند، عبدالرحمن صوفی ستاره‌شناس بزرگ قرن چهارم در کتاب صورالکواکب خود در این باره چنین آورده است:

۱۱- یاقوت، ارشاد الاریب (معجم الادباء) ج ۱ ص ۱۲۷ چاپ مارگلیوث.

۱۲- صلاح الدین صفدی، متولد ۶۹۶ در گذشته ۷۶۴، برای اطلاع از شرح حالش، رک، به، ابن حجر عسقلانی،

الذرا الکامنه ج ۲ ص ۱۷۶ چاپ دوم مصر ۱۳۸۵ ق.

۱۳- گوستا و فلوگیل خاورشناس آلمانی (۱۸۰۲-۱۸۷۰ م)، رک، به، زرکلی - الاعلام ج ۲ ص ۱۱۲.

۱۴- در این معرفی از مقدمه استاد عبدالمنعم عامر بر اخبار الطوال کمال استفاده را برده‌ام.

۱۵- ابن سیده، لغت شناس اندلسی در گذشته ۴۵۸ قمری است، رک، دانش نامه ایران و اسلام ص ۶۴۰.

۱۶- ابن بیطار، دارو گیاه شناس اندلسی قرن ششم هجرت رک، دانش نامه ایران و اسلام ص ۴۵۷.

«هرچند ما در علم انواء بسیار کتابها دیده‌ایم اما تمام‌ترین و کامل‌ترین آن کتابها که در این فن دیده‌ایم کتاب ابوحنیفه دینوری است»^{۱۷}

۴- کتاب القبلة و الزوال، ظاهراً مربوط به احکام قبله و ظهر شرعی است و در بیشتر کتابهایی که ترجمه ابوحنیفه در آنها آمده است فقط باختصار از آن نام برده شده است.

۵ و ۶- کتابهای حساب الدور و الوصایا، این دو کتاب در مورد احکام ارث است و حاجی خلیفه در کشف الظنون بدون آنکه عنوان آن دورا ذکر کند در فصل احکام میراث آورده است.

۷- کتاب الرد علی لغة الاصفهانی، این کتاب را ابوحنیفه بررد رصندی که اصفهانی از معاصرانش انجام داده نوشته است و نقد و بررسی است و مشتمل ایرادها و پاسخ‌هایی است که این دو دانشمند به یکدیگر گرفته و داده‌اند.

۸ و ۹ و ۱۰- کتابهای البحث فی حساب الهند، الجبر والمقابلة، نوادر الجبر، در ریاضی است و برخی از دانشمندان اروپایی آنرا به نام التخت فی حساب الهند نوشته‌اند.

۱۱- کتاب الجمع والتفریق - استاد عبدالمنعم عامر نوشته‌اند، این کتاب ریاضی نیست و مقصود از آن درباره علم بلاغت است که از دیرباز مورد توجه بسیاری از مؤلفان عرب بوده است.^{۱۸}

۱۲- کتاب الشعر والشعراء: تذکره ماندی بوده است، شبیه کتاب ابن قتیبه که با همین نام در همان زمان نوشته شده است، ابن قتیبه ظاهراً چهار سال پس از ابوحنیفه دینوری یعنی در ۲۸۶ هجری درگذشته است.

۱۳- کتاب مایلحن فیہ العامه: این کتاب ظاهراً شامل خطاها و اشتباهاتی بوده که میان عامه مردم متداول بوده است، و باید آنرا در ردیف کتابهایی چون لحن العوام زبیدی درگذشته ۳۷۹ هجری^{۱۹} و لحن العامه ابوحاتم سجستانی درگذشته ۲۴۸ دانست.^{۲۰}

۱۷- صورالکواکب، ترجمه خواجه نصیر طوسی، ص ۷، باهتمام و تعلیقات آقای سید معزالدین مهدوی بیناد

فرهنگ.

۱۸- مقدمه استاد عبدالمنعم عامر بر اخبار الطوال صفحه دی، و ترجمه آن به قلم مرحوم صادق نشأت صفحه (یو).

۱۹- رک، مقدمه کتاب لحن العوام زبیدی، چاپ دکتر رمضان عبدالنواب چاپ اول مصر ۱۹۶۴.

۲۰- زرکلی در الاعلام نام این کتاب ابوحاتم را «مائلحن فیہ العامه» ثبت کرده است. ج ۳ ص ۲۱۰

۱۴- تفسیر قرآن: این کتاب در سیزده جلد بوده است و ابوحنیان توحیدی ضمن نام بردن از آن می نویسد که خودش آن را ندیده است.

۱۵- کتاب الکسوف: نام این کتاب در خزانه الادب ابن عبری و معجم الادباء یاقوت حموی و از قول آن دو در کشف الظنون حاجی خلیفه آمده است کراچکوفسکی معتقد است این کتاب همان رصدی است که ابوحنیفه در اصفهان انجام داده است.

۱۶- کتاب البلدان: نام این کتاب در کشف الظنون زیر نام ابوحنیفه بر نسبت داده شده است، مسعودی می گوید این قتیبه این کتاب را به خود نسبت داده است و او این کار را در مورد بسیاری از کتابهای ابوحنیفه کرده است، و در آن زمان این کار ناپسند متداول بوده و نظایر فراوانی دارد، اگر این موضوع صحیح باشد باید در باره الشعر والشعراء هم بدیده تردید نگریست.

۱۷- کتاب البیان: گازیری هنگامی که نسخه های خطی کتابخانه اسکوریال اسپانیا را بررسی می کرده است و پس از بررسی فهرستی که در باره نام مؤلفان وسیله ابن العوام فراهم شده است به ابوحنیفه دینوری نسبت داده است، حاجی خلیفه و پیش از او ذهبی در تاریخ الاسلام در این مورد سخن گفته اند، ذهبی گفته است این کتاب شامل شصت جلد بوده است.

کراچکوفسکی می گوید این کتاب از ابوحنیفه دینوری نیست، بلکه از مؤلفات عبدالقادر گیلانی است و کتابی که گازیری دیده است با احتمال زیاد کتاب النبیات بوده است که ممکن است به علت مشابهت حروف بیان و نبات اشتباه کرده باشد.^{۲۱}

۱۸- رساله یی که در طب به ابوحنیفه نسبت داده شده است رساله یی کوچک است و مشهور نبوده است.

۱۹- اصلاح المنطق: این کتاب را یاقوت در معجم الادبا به نقل از فهرست ندیم به ابوحنیفه دینوری نسبت داده است و حال آنکه در فهرست چاپی مرحوم رضا تجدد که مورد مراجعه این بنده بود نام این کتاب نیامده است، اصلاح

۲۱- آیا کتابی که در معجم الادبای یاقوت حموی بنام (الباه) ثبت شده است مشمول این چنین اشتباهی نیست که در آن تصحیفی صورت گرفته باشد.

المنطق باهتمام دو تن از استادان بزرگ معاصر مصر احمد محمد شاکرو عبدالسلام محمد هارون در سال ۱۹۴۹ میلادی چاپ و معلوم شد از ابن سکیت است، ابوحنیفه دینوری مدتی شاگرد ابن سکیت و پسرش بوده است، معلوم می شود آقای عبدالمنعم عامر متوجه چاپ اصلاح المنطق نبوده است که در مقدمه خود بآن اشاره نکرده است، موضوع اصلاح المنطق لغت است.

هرچند حاجی خلیفه هم در کشف الظنون کتابی بنام اصلاح المنطق به ابوحنیفه دینوری نسبت داده است ولی ظاهراً گفتار مرحوم میرزا محمد باقر خوانساری در روضات الجنات صحیح تر است که می گوید کتاب ابوحنیفه دینوری نامش اصلاح اصلاح المنطق بوده است و تکمله بی برای اصلاح المنطق ابن سکیت است و کاتبان به هنگام ثبت آن کلمه اصلاح اول را از قلم انداخته اند.^{۲۲}

۲۰- کتاب جواهر العلم: آقای عبدالمنعم عامر در مقدمه خود از این کتاب نام برده اند و گفته اند آثار ابوحنیفه را از انبأ الرواة قفطی و مقاله فلوگل نقل کرده اند و افزوده اند که دائرة المعارف کوچکی است که از خواص و حقایق علوم در آن بحث شده است. نام این کتاب ضمن آثار دینوری در کتاب هدیه العارفین هم آمده است.^{۲۳}

از ملاحظه نام این کتابها که نشان دهنده محتوای آنان هم هست اهمیت دینوری در ریاضی و نجوم و لغت بوضوح بیشتر معلوم می شود و بیهوده نیست که او را با جاحظ دانشمند بزرگ معاصرش مقایسه کرده و سخن او را شیرین تر دانسته اند. ابوحیان توحیدی هم او را سخت ستوده و عدل و نظیر جاحظ دانسته است.

بروکلیمان در مقاله خود در دائرة المعارف اسلام می گوید^{۲۴} از تمام آثار دینوری فقط اخبار الطوال او به صورت کامل بدست ما رسیده است. ولی نباید به گفته اوقناعت کرد زیرا با مراجعه به حواشی کتاب لحن العوام زبیدی چنین

۲۲- میرزا محمد باقر خوانساری، روضات الجنات، ج ۵ ص ۱۰۸ چاپ اسماعیلیان قم ۱۳۹۲ ق.

۲۳- اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱ ص ۵۲ چاپ استانبول ۱۹۵۱ میلادی.

۲۴- دائرة المعارف الاسلامیه ج ۹ ص ۳۷۵.

استنباط می شود که بخش عمده‌یی از کتاب النبات او چاپ شده است. ۲۵ البته باید توجه داشت که لحن العوام نه سال پس از مرگ بروکلیمان و به سال ۱۹۶۴ چاپ شده است. شاید کتاب مایلحن فیہ العامه او هم در سلسله کتابهای لحن العامه چاپ شده باشد. ضمناً یادآوری می کنم که در کتاب زبیدی نسبت ابوحنیفه را همه جا اصفهانی آورده است.

۲۱- کتاب اخبار الطوال:

این کتاب را نخستین بار گیرگاس خاورشناس روس در ۱۸۸۷ میلادی در لیدن چاپ کرد ولی پیش از آنکه مقدمه و فهرست های آنرا بنویسد و تنظیم کند درگذشت، همکارش رُزن برای تهیه مقدمه و فهرست ها کار او را پی گیری کرد او هم موفق باتمام آن نشد، شاگرد روزن کراچکوفسکی جلد دوم آنرا هم در ۱۹۱۲ در بریل چاپ کرد. ۲۶

آقای عبدالمنعم عامر در مقدمه اخبار الطوال که به همت ایشان چاپ شده است نسخه های خطی کتاب را که در اختیار کراچکوفسکی بوده چنین معرفی کرده اند.

الف. نسخه لنینگراد به شماره ۸۲۲ و به خط کمال الدین نامی که تاریخ اتمام آن ۶۵۵ هجری است.

ب: نسخه دانشگاه لیدن به شماره ۱۱۲۲ که در سال ۱۰۰۰ هجری نوشته شده و نام نویسنده معلوم نیست.

ج: نسخه دیگری متعلق به کتابخانه لیدن به شماره ۲۴۳۶ و مورخ ۱۰۶۱ هجری. از این میان نسخه الف را نسخه اساس قرار داده اند که از همه به عصر مؤلف نزدیکتر بوده است.

پس از آنکه کراچکوفسکی کتاب را چاپ کرد چند جلد آن به خاورمیانہ رسید و چاپخانه سعادت قاهره آنرا بدون هیچگونه تعلیقات و تحقیقاتی چاپ کرد. در سال ۱۹۵۷ میلادی پس از مرگ کراچکوفسکی نسخه‌یی در

۲۵- رک به، لحن العوام، زبیدی صفحات ۴۳/۸۷/۹۴/۹۹/۱۱۱/۱۲۴/۱۲۸/۲۱۹ چاپ اول ۱۹۶۴ میلادی

مصر.

۲۶- مقدمه آقای عبدالمنعم عامر بر اخبار الطوال صفحه ن، س چاپ اول، قاهره ۱۹۶۰ میلادی.

کتابخانه رفاعه رافع الطهطاوی در شهر سوهاج بدست آمد که به شماره ۷۳ تاریخ ثبت است و معلوم شد فعلاً قدیمی ترین نسخه هاست و مورد استفاده مرحوم رافع رفاعه طهطاوی در نوشتن آثار تاریخی او بوده است، این نسخه در سال ۵۷۹ به شخصی بنام مفضل بن جعفر بن طاهر تعلق داشته است.

آقای عبدالمنعم عامر این نسخه را پس از مطابقه با نسخه چاپ شده بریل اساس قرار داده است. بنابراین می توان گفت بهترین نسخه موجود در اختیار ایشان بوده است، چاپ اول کتاب اخبار الطوال باهتمام آقای عبدالمنعم عامر در ۱۹۶۰ میلادی در قاهره انجام پذیرفته است.

محتوای کتاب اخبار الطوال :

کتاب اخبار الطوال را می توان به سه بخش عمده تقسیم کرد.

۱- بخش نخست شامل مطالبی در مورد آدم و فرزندان نخستین او و پیامبرانی همچون ادریس و نوح و هود و ابراهیم و اسماعیل و بنی اسرائیل و پادشاهی داود و سلیمان تا ظهور عیسی است، مطالب ابوحنیفه در این بخش نه از لحاظ زمانی و نه از لحاظ مکانی پیوسته نیست و از شرح حال پیامبرانی بزرگ چون موسی و هارون و یوسف در آن گفتگو نشده است، اما ظهور زرتشت و آیین او و نجات بنی اسرائیل وسیله پادشاهان ایران در آن بحث شده و شاید از کهن ترین منابعی باشد که این موضوع در آن آمده است. و چون آغاز تنظیم کتابهای تاریخ قومی بوده است نباید انتظار داشت که قابل مقایسه با تاریخ طبری یا مروج الذهب مسعودی و امثال آن باشد.

۲- بخش دوم که آمیخته با بخش اول است و جداگانه تنظیم نشده است شرح حال و سرگذشت پادشاهان ایران و روم و یمن است و از جمشید و پیروزی ضحاک (بیوراسب) بر او و منوچهر و کیقباد و گشتاسب و بهمن و دارا و اسکندر و ملوک الطوائف و سپس ساسانیان تا انقراض ایشان سخن گفته است و برخی از وقایع جنبی چون خروج بهرام چوبین را هم بررسی کرده است و در همین بخش از بلقیس ملکه سبا و نمرود هم گفتگو شده است و با توجه باختصار آن نباید آنرا با کتابهایی که در قرن های چهارم و پنجم نوشته شده است مقایسه

کرد و به عنوان مثال قابل مقایسه با کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء حمزة بن حسن اصفهانی^{۲۷} از قرن چهارم یا غرراخبار ملوک الفرس، ابومنصور ثعالبی از قرن پنجم^{۲۸} نیست، با وجود این به مصداق الفضل للمتقدم اهمیت اخبار الطوال محفوظ است و به قول استاد محترم دکتر عبدالحسین زرین کوب^{۲۹} دینوری در اخبار مورد اعتماد است و از معتمدان به شمار می رود.

۳- بخش تاریخ اسلام که با پیکارهای اعراب و ایرانیان در دوره خلافت عُمر شروع و به پایان خلافت معتصم یعنی سال ۲۲۷ هجری ختم می شود.

ابوحنیفه دینوری در مورد سیره و مغازی رسول خدا (ص) مطلقاً سخنی به میان نیاورده است لابد توجه داشته است که با تنظیم سیره ابن اسحاق و مغازی واقدی که مقدم بر او بوده اند و طبقات ابن سعد که معاصر او بوده است دیگر لزومی بر آن کار نیست و آنان حق مطلب را چنانکه باید و شاید ادا کرده اند. جنگهای اعراب و ایرانیان را تا سقوط ایران مفصل و مشروح نوشته است ولی دوره خلافت دوازده ساله عثمان را فقط در یک صفحه ونیم آورده است.

در باره گرفتاریهای امیرالمؤمنین علی (ع) با معاویه و جنگهای جمل و صفین و خوارج به تفصیل سخن گفته است و سپس دوره حکمرانی معاویه و یزید بررسی شده است، واقعه کربلا و شهادت حضرت امام حسین (ع) هم نسبتاً مفصل بحث شده است، پس از آن حکومت مروانیان بیان شده است، دینوری داستان مختار و حکومت فرزندان زبیر را هم نسبتاً مفصل بحث کرده است. و بعد انقراض بنی مروان و قیام مردم ایران و بخصوص قیام خراسانیان و ابومسلم را بحث کرده است، غدر و فریب بنی عباس، را در باره ابومسلم کم و بیش اظهار داشته است ولی در دیگر موارد سخن را درز گرفته است چنانکه نه تنها از داستان بزمکیان چشم پوشیده بلکه در مورد رفتار مأمون با حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) و خاندان سرخسی هم سخنی به میان نیاورده است البته

۲۷- رک به، ترجمه آن با نام (تاریخ پیامبران و شاهان) به قلم استاد محترم دکتر جعفر شمار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران تیرماه ۱۳۴۶.

۲۸- غرراخبار ملوک الفرس و سیرهم، (غررالسیر) از ثعالبی درگذشته ۴۲۹، باهتنام زورتنبرگ پاریس.

۲۹- تاریخ ایران بعد از اسلام، ج ۱ ص ۹ بنقل از دانشنامه ایران و اسلام.

اختناق حاکم بر آن عصر را هم نباید نادیده گرفت، آخرین مبحث او هم درباره چگونگی کشته شدن بابک و افشین است، و با آنکه تا سال ۲۸۳ یعنی پنجاه و پنج سال پس از مرگ معتصم زنده بوده است تاریخ خود را به همانجا ختم کرده است. در عین حال گرایش نسبی به عنصر ایرانی در اخبار الطوال به وضوح مشهود است، مثلاً رجوع کنید به داستان مختار و همراهان او.

ابوحنیفه دینوری در نقل مطالب خود غالباً از ذکر نام کتاب و سلسله اسناد خودداری کرده است، و حال آنکه در بسیاری از آثار مورخان پیش از او و معاصرش سلسله اسناد آمده است مانند مغازی واقدی و طبقات ابن سعد، و همین حذف سلسله اسناد یکی از علل شیوایی عبارات اوست، در تمام کتاب اخبار الطوال فقط نام بیست و یک راوی آمده است و دو کتاب را نام برده است، و از هیشم بن عتی بیشتر نام برده است، از شصت و شش شاعر نام برده و شواهدی از اشعار ایشان آورده است.

روش ترجمه کتاب:

کتاب اخبار الطوال که باهتمام آقای عبدالمنعم عامر در ۱۹۶۰ میلادی در مؤسسه احیاء کتب العربیه عیسی البابی الحلبی به صورت نسبتاً منقح چاپ شده است وسیله مرحوم صادق نشأت ترجمه و در آذرماه سال ۱۳۴۶ در یکهزار و یکصد نسخه در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ منتشر شده است که اکنون بسیار کمیاب است، بنابراین قبل از هر توضیحی درباره شیوه خود در این ترجمه لازم است اقرار کنم که الفضل للمتقدم و امیدوارم زحمت آن مرحوم مشکور باشد.

این بنده ضمن مطالعه و بررسی این ترجمه متوجه شدم که گویا این ترجمه با شتاب زدگی همراه بوده است زیرا هیچگونه پاورقی و توضیحی درباره راویان و اعلام شخصی و شاعران عرب و اعلام جغرافیایی و استخراج آیات و نامه های بزرگانی چون حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) و ضرب المثلها داده نشده است، بدون تردید مرحوم صادق نشأت که خدایش بیامرزد از ترجمه حدود دو یست و پنجاه پاورقی آقای عبدالمنعم عامر عجزی نداشته است ولی نمی دانم چرا از ترجمه آنها هم خودداری شده است، و حال آنکه لازم بود به مواردی که آقای عبدالمنعم عامر

اشتباه کرده‌اند و برخی از آنها اشتباه فاحش است اشاره می‌کردند از قبیل پاورقی‌های صفحات ۳۵۵، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۸۴، متن عربی.

محروم ماندن خواننده فارسی زبان از حواشی سودمند آقای عبدالمنعم عامر هم صحیح نبوده است، اینک ضمن ادای احترام و قدردانی نسبت به زحمات آن دو، نکات زیر را در این ترجمه مورد توجه قرار دادم و امیدوارم برای خوانندگان گرامی سودمند باشد، و تلاش شد از پر حرفی و سخن‌درازی در حواشی حتی الامکان احتراز شود.

۱- عموم پاورقی‌های آقای عبدالمنعم عامر ترجمه و در پاورقی صفحات ثبت شد، مگر توضیحات لغوی که از آن‌ها برای ترجمه متن استفاده کردم و نوشتن آن در پاورقی ضرورت نداشت.

۲- چون ایشان به هر دلیل که خودشان داشته‌اند از ذکر کتاب‌ها و منابع مورد استفاده خودداری کرده‌اند در مورد اعلام شخصی و جغرافیایی به کتابهای مربوط مراجعه کردم و نشان جلد و صفحه و چاپ آنرا مشخص ساختم.

۳- در مورد راویان و اشخاصی که از ایشان نقل مطلب شده است کوشش شد به کتابهایی چون استیعاب و اسدالغابه و طبقات و میزان الاعتدال و اعلام زرکلی مراجعه شود و توضیحی برای خوانندگان ارجمندی که خواهان اطلاع بیشتری باشند داده شود.

۴- درباره شاعران هم همینگونه رفتار شد و بیشتر به کتابهایی چون طبقات الشعراء ابن معتر والشعر والشعرای ابن قتیبه و معجم مرزبانی و آغانی ابوالفرج مراجعه کردم.

۵- در مورد آیات مبارکات قرآنی ضمن استخراج شماره آیه و سوره که در بسیاری از موارد استاد عبدالمنعم عامر انجام داده بودند، در صورتی که توضیحی لازم بود با مراجعه به تفاسیری چون تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی و ابوالفتوح رازی در کمال اختصار متذکر شدم و کوشش شد حتی الامکان ترجمه آیات از متون کهن فارسی چون ابوالفتوح و کشف الاسرار گرفته شود.

۶- در مورد نامه‌های امیرالمؤمنین علی (ع) و کلمات آن حضرت با استفاده از کتابهایی چون اسانید نهج البلاغه و الکاشف محل آنرا در چاپهای

مختلف نهج البلاغه و شروح آن پیدا و ثبت کردم تا خواننده بتواند در صورت تمایل به دنباله نامه پی ببرد و باید توجه داشت که چون اخبار الطوال حدود یکصد و پنجاه سال پیش از نهج البلاغه سیدرضی رضوان الله تعالی علیه نوشته شده خود از منابع استوار در این باره شمرده می شود.

۷- اگر مطلبی در باره ائمه بزرگوار شیعه علیهم السلام گفته شده بود که منطبق با حقیقت نبود با مراجعه به کتابهای دیگری چون تاریخ یعقوبی و ارشاد مفید و اعلام الوری طبرسی توضیحی اندک دادم تا خواننده بتواند برای خود منبع تحقیق بیشتری بیابد.

۸- در اخبار الطوال کلمات فارسی در متن عربی فراوان بکار رفته است و گاه جمله فارسی عیناً در متن آمده است از قبیل «دیوان آمدند» و «بدبخت مار مار» و شاید یکی از مشخصات این کتاب و دیگر کتابهای قرن سوم از قبیل البیان و التبیین جاحظ باشد که استاد عبدالسلام محمد هارون در پایان جلد چهارم البیان و التبیین استخراج کرده اند، در حاشیه تذکر دادم که این کلمه یا ترکیب عیناً در متن عربی است.

۹- مواردی بوده است که نفهمیده ام و در منابع مورد دسترس خود نیافته ام در پاورقی تذکر دادم که استنباط نکردم و بدیهی است این گونه موارد عدم الوجدان است نه عدم الوجود، ارشاد و راهنمایی دانشمندان موجب کمال تشکر و سپاس است.

۱۰- چون استاد عبدالمنعم عامر در مقدمه خود مطالبی از دیدگاه خودشان نوشته بودند و کتاب ها و منابع را هم روشن بیان نکرده بودند ضمن استفاده از آن از ترجمه مستقیم آن خودداری کردم که برای بیان شرح حال و آثار ابوحنیفه دینوری مراجعه به کتابهای دیگری هم لازم بود.

فهرست های مفصل کتاب در متن عربی و ترجمه راهگشای این بنده هم در تنظیم فهرست ها بوده است. با وجود این شک نیست که اگر خدمتی اندک صورت گرفته به مصداق «وما بکم من نعمة فمن الله» است و هر گونه سهو و خطا سرزده از نفس من است «ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا».

دزپایان این مقدمه لازم است مراتب سپاس و امتنان خود را به برادر بزرگوارم دانشمند محترم جناب آقای احمد مهدوی دامغانی که در رفع مشکلات یاریم داده‌اند تقدیم دارم. از دوست محترم (ناشر کتاب) که نشر این ترجمه را در سلسله کارهای «نشر نی» قرار داده‌اند سپاسگزار و امیدوارم خداوند متعال به ایشان توفیق بیشتر برای نشر آثار علمی عنایت فرماید بمنه و کرمه

شهد مقدس

محمود مهدوی دامغانی

بیستم شوال ۱۴۰۴ - بیست و نهم تیرماه ۱۳۶۳